

1-Review

Context

خبر رو شنیدی؟

Have you heard the news?

نه، چی شده.

No, what is it?

رئیس می خواد شرکت رو ببندد و اینجا رو به گیم نت تبدیل کنه.

My boss is gonna **shut down** this company and he is gonna make here into a game net.

خبر رو دیشب بعد از مسابقه فوتبال شنیدی؟

Did you hear the news after football match last night?

نه چی شده؟

No, what is it?

دوباره توی کرمانشاه زلزله اومده.

There has been an earthquake in Kermanshah again.

باور نمی کنم، شایعه است توی شهر پیچیده.

I don't believe it, it's a rumor going around the city.

شکی درش نیست، از منبع موثق شنیدم.

No doubt in it, I heard straight from the horse's mouth.

خبر رو چک کردی؟

Have you checked the news?

از کجا می دونی درسته؟

How do you know it's true?

تا حالا سه بار چکش کردم. شکی درش نیست درسته.

I have already checked it 3 times. No doubt in it, it's true.

خبر رو شنیدی؟

Have you heard the news?

نه چی شده؟

No, what is it?

بازار کارم خیلی کساده می خوام سوپر مارکتم رو به رستوران تبدیل کنم.

My **job marketing** is pretty sick, I am gonna make my super market into a restaurant.

بازار کساده، بهتره یه فکری در موردش بکنی.

The **marketing** is dull, you had better think about it.

متوجه نشدم این مغازه رو باز کردی.

I didn't realize you had opened this shop.

منم همینطور.

Neither did I.

باور می کنی؟

Do you believe it?

چرت و پرت باور نکن.

Don't believe it, it's nonsense.

از کجا می دونی حق با شماست؟

How do you know you are right?

حق نداری با من اینطوری صحبت کنی، باهات ده سال زندگی کردم.

You haven't got **such a right** to speak to me like this; I have been living with you for 10 years.

خبر رو شنیدی؟

Have you heard the news?

دیشب خونه ام رو دزد زد.

My house was **burgled** last night.

دیشب خونه ام رو دزد زد.

I was burgled last night.

چیزی هم دزدیدند؟

Have they **stolen** anything?

چیزی هم دزدیده شده؟

Has anything been stolen?

از کجا شنیدیش؟

Where did you hear that?

توی روزنامه خندممش.

I have read it in the newspaper.

توی روزنامه نوشته شده.

It has been written in the newspaper.

باور نکنش ، شر و وره.

Don't believe it; it's neither rhyme nor reason.

شکی درش نیست، حق با منه.

No doubt in it, I am right.

شروع کنیم؟ شروع کنیم. سؤالی داری؟ سؤالی ندارم، شروع کنیم.

Shall we start? Let's start. Have you got any questions? I haven't got any questions, let's start.

Vocabulary

زلزله

Earthquake

شایعه

Rumor

دزدی کردن

Steal

شکی درش نیست، از منبع موثق شنیدم.

No doubt in it, I heard straight from the horse's mouth.

بازار کارم خیلی رونق نداره (خیلی کساده)

My job marketing is pretty sick.

چرت و پرت باور نکن.

Don't believe it, it's non-sense.

باور نکنش ، شر و وره.

Don't believe it; it's neither rhyme nor reason.

Context

می شه یه لطفی در حقم بکنی؟

Could you do me a favor?

قشنگ ترین جمله کامل برای
درخواست یک کار از طرفی

می شه یه خواهشی ازتون بکنم؟

Can I ask you a favor?

می شه لطفاً این گزارشها رو به چارلز توی واحد حسابداری برسونی؟

Could you please take these reports **over to** Charles in accounts?

می شه یه لطفی بهم بکنی؟ خیلی گرفتارم.

Could you do me a favor, I am busy.

take برداشتن
take someone to somewhere بردن به
take something over to someone بردن چیزی و به دست کسی رساندن

در خدمتتونم، چکار می تونم براتون کنم؟

I am at your service, what can I do for you?

پدرم به این نامه ها نیاز داره، می شه اونا رو برسونی به بدست پدرم توی واحد فروش.

My father needs these letters; could you take them over to my father in the sales department?

می تونم ازت یه درخواست کنم؟

Can I ask you a favor?

چیکار کنم ؟

What shall I do?

این روزها خیلی سرم شلوغه، مجبورم تا دیروقت اداره بمونم و اضافه کاری کنم، می شه این پرونده ها رو به رییسم توی واحدکارگزینی برسونی؟

I am fully tied up these days; I gotta stay in the office late and work overtime, could you take these **files** over to my boss in the staff department.

چیکار کنم برات؟

What shall I do for you?

از من درخواست شده مأموریت برم، برادرم فردا می آد اینجا، چکش رو می خواد و
چکش پیش منه، می شه چک رو فردا بدستش برسونی؟

I have been asked to go on mission; my brother is coming here tomorrow, he wants his check and his check is with me, could you take it over to my brother tomorrow.

می شه یه لطفی در حقم انجام بدی؟ دستم بنده، می شه این غذا رو بدست پسرم
برسونی؟

Could you do me favor? I am up to doing something, could you take this food over to my son?

دستم به ظرف شستن بنده.

I am up to washing the dishes.

دستم به اتو کردن لباسها بنده.

I am up to ironing the clothes.

دستم به تایپ کردن نامه ها بنده.

I am up to typing the letters.

بامن تماس گرفته شده و مجبورم برگردم اداره.

I have been called and I gotta get back to the office.

می شه این جعبه ها بدست همکارم برسونی؟

Could you take these boxes over to my colleague?

کار مهمی برام پیش اومده، مجبورم برم بیرون.

Something important has come up to me, I gotta go out.

کار مهمی برام پیش اومده.

Something important has come up for me.

کار مهمی برام پیش اومد (گذشته ساده) !=
something important came up to me.

دیشب مهمونی بهت خوش گذشت؟

Did you have a good time at the party last night?

جات خالی بود ولی دیشب توی پارتی نمودم.

I thought **of** you but I didn't stay at the party last night.

کار مهمی برام پیش اومد، **مجبور شدم** اداره رو ترک کنم.

Something important came up to me; I **had to** leave the office.

کار مهمی برام پیش اومده، می شه این پیچ گوشتی رو بدست پدرم توی انبار برسونی؟

Something important has come up to me, could you take this **screw driver** over to my father in the **stock room**.

دستم بنده.

I am up to doing something.

موجودی/کالا انبار stock

جنس استوک، جنسی است که برای مدت طولانی در انبار باقی می ماند و فروش نمی رود

نمی دونم.

I don't know.

اون کیه؟

Who is she?

نمی دونم اون کیه؟

I don't know who she is?

مادرت کی رو دوست داره؟

Who does your mother like?

می دونم مادرت کی رو دوست داره؟

I know who your mother likes?

چه مدل غذایی رو دوست داری؟

What kind of food do you like?

نمی دونم چه مدل غذایی رو دوست داری؟

I don't know what kind of food you like?

مادر شبها کجا می ره؟

Where does your mother go at nights?

به من چه مربوطه مادرت شبها کجا می ره.

قانون دابلینو اچ به عنوان رابط دو جمله

اگر دابلینو اچ اول جمله بیاد، جمله بعدش سوالی میشه

اگر دابلینو اچ وسط جمله بیاد، اول جمله بعد خبری است نه سوالی

دوما کلمات سوالی جمله دوم حذف میشن

مثلا

i don't know who does your mother like(wrong)

i don't know who your mother likes(correct)

سوما در محرک معنی که موصول میدهد

روش سریع

به جمله بعد از دابلینو اچ که رسیدی با خودت

فکر کن داری جمله خبری میسازی

It's none of my business where your mother goes at nights.

چیکار می کنی؟

What are you doing?

می دونم چیکار می کنی؟

I know what you are doing?

مادرت در مورد چی صحبت می کنه؟

What is your mother talking about?

بمن چه مربوطه که مادرت در مورد چی داره صحبت می کنه؟

It's none of my business what your mother is talking about?

می خواهی بعد از تعطیلات چیکار کنی؟

What are you gonna do after holiday?

می دونم بعد از تعطیلات می خواهی چیکار کنی؟

I know what you are gonna do after the holiday?

برادرت کی رو می خواد دعوت کنه؟

Who is your brother gonna invite here?

می دونی برادرت می خواد کی رو دعوت کنه؟

Do you know who your brother is gonna invite?

مادرت چی گفت؟

What did your mother say?

می دونی مادرت چی گفت؟

Do you know what your mother said?

چی برای شوهرت پارسال خریدی؟

What did you buy for your husband last year?

یادم نمی آد پارسال چی برای شوهرم خریدم؟

I don't remember what I bought for my husband last year?

چرا برادرت شام بیرون خورد؟

Why did you brother eat dinner out?

می دونم چرا برادرت بیرون غذا خورد؟

I know why your brother ate out?

چرا مادرت در رو قفل کرده؟

Why has your mother locked the door?

می شه بهم بگی چرا مادرت در رو قفل کرده؟

Could you tell me why your mother has locked the door?

چی برای برادرت خریدی؟

What have you bought for your brother?

می دونم چی برای برادرت خریدی؟

I know what you have bought for your brother?

چی سفارش دادی؟

What have you ordered?

می شه بهم بگی چی سفارش دادی؟

Could you tell me what you have ordered?

بمن چه مربوطه برای چی می خوام اخراجم کنی؟

It's none of my business why you are gonna fire me.

می فهمی داری در مورد چی صحبت می کنی؟

Do you understand what you are talking about?

بمن چه مربوطه چرا مادرت هر روز دیر بیدار می شه؟

It's none of my business why your mother wakes up late every day.

می دونی چیکار کردی؟

Do you know what you have done?

نمی دونم چرا اینجا پارک کرد؟

I don't know why he parked here.

می دونم چرا داری گریه می کنی؟

I know why you are crying?

برادرت شبیه کیه؟

هرگز نباید بگی
who

What does your brother look like?

مادرت شبیه کیه؟

What does your mother look like?

دوستت شبیه کیه؟

What does your friend look like?

شبیه کی هستی؟

What do you look like?

شبیه برادرم هستم.

I look like my brother.

برادرم شبیهه.

My brother looks like me.

خواهرت شبیهته؟

Does your sister look like you?

شبیه پدرمه.

She looks like my father.

پدرت چه شکلیه؟

What does your father look like?

می دونم پدرت چه شکلیه

I know what your father looks like.

می دونی برادرت چه شکلیه؟

Do you know what your brother looks like?

look like شبیه بودن ظاهر کسی به کسی

همیشه با زمانهای ساده میاد

اگر فرد زنده باشد، حال ساده

دوستم شبیه منه

اگر فرد فوت شده باشد، گذشته ساده

پدر بزرگشم شبیه من بود

یادم نمی آد خواهرت چه شکلیه؟ تا حالا ندیدمش.

I don't remember what your sister looks like. I have never seen her.

در خدمتتونم چه فرمایشی دارید؟

I am at your service, what can I do for you?

ولی نمی تونم بیادم بیارم چه شکلی هست.

But I can't remember what he looks like.

می شه بهم بگی چه شکلی هست.

Could you tell me what he looks like?

می ترسم، یادم نیاد چه شکلی بود.

I am afraid I don't remember what he looks like.

تابلو هست.

You can't miss him.

از قطار جا موندم.

I have missed the train.

دیشب از قطار جا موندم.

I missed the train last night.

می شه بهم بگی دفتر پست کجاست؟

Could you tell me where the post office is?

نمی تونی گمش کنی. تابلوئه

You can't miss there.

تابلو بودن

You can't miss him, he is

miss

اشتباه کردن، گم کردن، از دست دادن، دلتنگ چیزی بودن

می شه رکورد رو به دست پسرم برسونی؟

Could you take this recorder over to my son?

پسرت رو ندیدم، نمی دونم شبیه کی هست.

I haven't seen you son; I don't know what he looks like.

شبیه برادرمه.

He looks like my brother.

برادرم به من رفته.

My brother **takes after** me.

تو به برادرت رفتی؟

Do you take after your brother?

به کی رفتی؟

Who do you **take after**?

پسرت به کی رفته؟

Who does your son take after?

نمی دونم برادرت به کی رفته.

I don't know who your brother takes after.

من به پدرم رفتم.

I take after my father.

من شبیه برادرمم.

I look like my brother.

من به برادرم رفتم.

I take after my brother.

برادرم کپ منه.

My brother is a clone of me.

تو کپ برادرتی.

You are a clone of your brother.

شبیه بودن اخلاق کسی به کسی
فلانی به فلانی رفته
take after همیشه با زمانهای
ساده میاد
اگر فرد زنده بود با حال ساده
من به داداشم رفتم
اگر فرد فوت شده بود با گذشته ساده
من به پدر بزرگم رفتم

clone شبیه سازی/نسخه کپی
کدینگ: کلون در گیت

Vocabulary

برداشتن

Take

بردن

Take to

بردن چیزی و به دست کسی رساندن

Takeover to

پیچ کردن/ هم خوابی کردن

Screw

پیچ گوشتی

Screw driver

پیچ گوشتی دو سو

2 way screw driver

با کمال میل

By all means

قطعاً

Certainly

شبیه بودن

Look like

برگشتن به مکالمه

Get back to conversation

جا موندن

Miss

شبیه

Clone

به کسی رفتن

Take after

دستم بنده

I am up to doing something

بمن چه مربوطه

It's none of my business

تابلوسست

You can't miss him

برادرم کپ منه

My brother is a clone of me

Conversation text

A: Could you please take these reports over to Charles in account?

B: Certainly, but i am afraid I don't remember what he looks like?

A: You can't miss him. He is about your height, rather heavy with dark curly hair.

B: Ok, I think, I recognize him.

A: Thanks very much, it's kind of you.

3-You can't miss him

Context

کار مهمی برام پیش اومده، می شه این نامه ها رو به ریسم برسونی؟

Something important has come up to me, could you take these letters over to my boss?

ولی نمی دونم شبیه کیه.

But I don't know what he looks like.

تابلوست.

You can't miss him.

حدود قد خودته.

He is **about** your height.

حدود قد برادرت.

He is about your brother's height.

حدود قد مادرت.

He is about your mother's height.

حدود قد پسرته.

He is about your son's height.

متوسطه.

He is average height.

قد بلنده.

He is tall.

کوتاهه.

He is short.

کوتوله هست.

He is **dwarf**.

نسبتاً سنگینه.

He is rather heavy.

نسبتاً چاقه.

He is rather fat.

لاغر.

He is thin.

نسبتاً لاغر.

He is rather thin.

تپل میله.

He is under plump.

گوشتیه.

He is flabby.

نی قلیونه.

He is puny.

کوچولو موچولوه.

He is tinny.

رو فرمه.

He is slim slim = thin! رو فرم معتدل

موهای فر داره.

He has got curly hair.

با موهای روشن و صاف

With blond straight hair

با موهای تیره مجعد

With dark wavy hair

با موهای وزوزی

With afro hair

یکم هم کچله.

He is a little bald.

با موی مصری

With short Bob hair

با موی شنیونی

With bon hair

با موی دم اسبی

With pony tail hair

سیبیل داره.

He has got mustache.

ریش داره.

He has got beard.

ته ریش داره.

He has got stubble.

ریش بزی داره.

He has got goatee.

فکر می کنم بتونم بشناسمش.

Ok, I think, I can recognize him.

فکر می کنی بتونی بشناسیش؟

Do you think you can recognize him?

صورتش سوخته، نمی تونم بشناسمش.

His face has been burnt; I can't recognize him.

فکر می کنی بتونی تشخیصش بدی؟

Do you think you can recognize him?

recognize != remember

سمت راستی یعنی شخص رو از قبل
میشناسی و فقط به یادش میاری
سمت چپی یعنی از قبل نمیشناسیش و
تشخیصش میدی

نمی توانم انگلیسی رو از فرانسه تشخیص بدم.

I can't distinguish English from French.

می تونی خوب رو از بد تشخیص بدی؟

Can you distinguish good from bad?

نمی تونه خوب رو از بد تشخیص بده چه برسه ازدواج کنه.

He can't distinguish good from bad let alone get marry.

نمی توانم پول بدست بیارم چه برسه شرکت رو بچرخونم.

I can't earn money let alone run the company.

distinguish دادن تشخیص

قبلی تشخیص دادن قیافه بود

این تشخیص دادن چیز هاست

distinguished متمایز/یعنی

چیزی که به راحتی قابل تشخیص است

بیماری شما را سرطان تشخیص دادم.

I have diagnosed your disease the cancer.

بیماری شما سرطان تشخیص داده شده است.

Your disease has been diagnosed the cancer.

diagnose دادن تشخیص

برای تشخیص دادن سرطان

خیلی ممنون، نظر لطف شماست.

thank you very much indeed, it kind of you. قشنگ ترین تشکر انگلیسی

خیلی ممنون لطف می کنید

thank you very much indeed

It's good of you.

خیلی ممنون لطف می کنید.

thank you very much indeed

It's nice of you.

از لطف شماست که گفتیش.

It's kind of you to say that.

از لطف شماست که این پول رو بهم قرض دادی.

It's kind of you to lend me this money.

کاری نکردم.

No mention it پاسخ تشکر بالا با این جمله است

یادت می آد جلسه قبل چی گفتم؟

Do you remember what I told you last session?

Vocabulary

بلند

Tall

قد

Height

نسبتاً

Rather

کوتوله

Dwarf

گوشتی

Flabby

تپیل میل

Plump

نی قلیون

Puny

کوچولو موچولو

Tinny

رو فرم

Slim

موهای فر

Curly hair

وزوزی

Afro hair

موی جمع

Bon hair

موی مصری

Bob hair

موج دار، مجعد

Wavy

تشخیص دادن چهره

Recognize

تشخیص چیزی از چیز دیگر

Distinguish

ته ریش

Stubble

ریش بزی

Goatee

چه برسه

Let alone

سیبیل

Mustache

دم اسبی

Pony tail

تذکر دادن

Mention

بدست آوردن

Earn

تابلوست

You can't miss him.

از لطف شماست

It's kind of you/it's nice of you/ it's good of you

کاری نکردم

No mention it

Proverb

کافر همه را به کیش خود پندارد.

Every mad man thinks of every other man mad.